

# عهد و گفتگو



تفسیر پاراشای هفته  
توسط ربای ساکس

"من ایمان دارم" - تفسیرهای تورات از ربای لرد جاناتان ساکس در سال ۵۷۸۰

پاراشای هفته: برشیت

پیدایش عشق

Rabbi Lord Jonathan Sacks

Bereishit 5780

The Genesis of Love

ربای سولویتچیک در کتاب *انسان تنهای ایمان* توجه را به وجود دو روایت آفرینش جلب کرد. روایت در باب اول پیدایش و روایت دوم در باب های دوم و سوم پیدایش، که با یکدیگر تفاوت چشمگیر دارند.

در روایت اول، خدا الوهیم خوانده می شود و در دومی، هشم الوهیم. در اولی، مرد و زن همزمان خلق می شوند: "آنها را مذکر و مونث آفرید." در دومی، آنها یکی پس از دیگری خلق می شوند: نخست مرد و سپس زن. در اولی، به انسان ها دستور داده می شود "زمین را پرسازید و به زیر فرمان خود در آورید". در دومی، اولین انسان در باغ گذاشته می شود "برای

خدمت و نگهداری از آن." در اولی، انسان‌ها آفریده شده "به صورت و شباهت" خدا توصیف می‌شوند. در دومی، انسان از "خاک زمین" خلق می‌شود.

شرح ربای سولویتچیک این است که تورات دو جنبه از انسان بودن ما را تصویر می‌کند. او این دو جنبه را چنین می‌نامد: انسان شکوهمند و انسان عهدمند. ما اربابان شکوهمندِ خلقت هستیم: این پیام باب اول پیدایش است. اما همچنین تنهایی وجودی را تجربه می‌کنیم و در جستجوی عهد و ارتباط هستیم: این پیام باب دوم پیدایش است.

اما همچنان یک دوگانگی عجیب دیگر وجود دارد در داستانی که به دو صورت بس متفاوت گفته شده و نه به آفرینش، بلکه به مناسبات انسانی مربوط است. در این مورد که چگونه اولین مرد، اولین زن را نامگذاری می‌کند، دو روایت متفاوت وجود دارد. اولی چنین است:

این زمان، استخوانی از استخوان هایم

و گوشتی از گوشت تنم؛

نام او زن [ایشا] خواهد بود

زیرا از مرد [ایش] گرفته شد.

و روایت دوم در چند آیه جلوتر چنین است:

و مرد همسر خود را حوا نامید

زیرا او مادر همه هستی بود.

تفاوت میان این دو روایت، پیامدهای بسیار دارد.

۱- در اولی، مرد نه یک شخص، بلکه یک طبقه و یک مقوله را نامگذاری می کند. او نه یک نام خاص، بلکه یک اسم [از نظر دستور زبان] به کار می برد. فرد دیگر برای او فقط "زن" است، یعنی یک طبقه و نه یک فرد. در دومی، او به همسر خود نامی خاص می دهد. همسر او برایش تبدیل به فردی مستقل شده است.

۲- در اولی او بر شباهت های میان آن دو تاکید می کند - "او استخوانی از استخوان هایم و گوشتی از گوشت تنم" است. در دومی، بر روی تفاوت ها تمرکز می کند. زن می تواند بزیاید و او نمی تواند. این نکته در آواهای این نام ها شنیده می شود. *ایش* و *ایشا* همسانی آوایی دارند، زیرا شبیه هستند. *آدام* و *حوا* به هیچ رو همسانی آوایی ندارند.

۳- ابتدا این زن است که همچون فرد وابسته تصویر می شود: "او از مرد گرفته شد." در دومی، برعکس است. گرفته شدن *آدام* از *آداما* [خاک] نشانگر میرایی است: "با عرق پیشانی ات غذای خود را خواهی خورد و به خاک [ها/آداما] باز خواهی گشت، زیرا از آن گرفته شده بودی." این حوا است که مرد را از راه زایش زندگی های جدید، از میرایی نجات می دهد.

۴- پیامدهای این دو کنش نامگذاری یکسره متفاوت هستند. پس از نامگذاری اول، گناه خوردن میوه ممنوع و مجازات اخراج از باغ عدن رخ می دهد. پس از دومی، می خوانیم که خدا برای این زوج "پوشش هایی از پوست [عور]" درست کرد ("عور در اینجا با حرف عبری "عین" نوشته می شود) و آنها را پوشاند. این حرکتی برای محافظت و نشان دادن عشق است. در مکتب ربی مئیر این عبارت را پوشش های نور می خوانند (اور با حرف عبری "آلف").<sup>1</sup> خدا آنها را در نور پوشانید.

---

<sup>1</sup> Bereishit Rabbah 20:21.

تنها پس از آنکه مرد به همسر خود نامی خاص می دهد، می بینیم که تورات از خدا فقط با نام خاص او یعنی هشتم نام می برد (در باب ۴ پیدایش). تا آن هنگام از خدا همچون الوهیم یا هشتم الوهیم نام برده می شود - الوهیم سویه غیرشخصی خدا است: خدا همچون قانون، خدا همچون قدرت، خدا همچون عدالت. به بیان دیگر، مناسبت ما با خدا در راستای مناسبت ما با یکدیگر شکل می گیرد. تنها زمانی که ما یگانگی فرد دیگر را بازمی شناسیم، قادر می شویم که به یگانگی خداوند احترام بگذاریم و آنرا به رسمیت بشناسیم.

اینک برگردیم به دو روایت پیدایش اما این بار نه با نگاه به آنچه درباره بشریت می گویند (چنان که در *انسان تنهای ایمان* آمده)، بلکه به سادگی با نگاه به آنچه درباره آفرینش به ما می گویند.

در باب اول پیدایش، خدا چیزها را آفرید - عناصر شیمیایی، ستارگان، سیاره ها، شکل های حیات و انواع جانداران. در باب های دوم و سوم پیدایش، خداوند، مردم را خلق می کند. در باب نخست، سیستم ها را می آفریند و در باب دوم مناسبات را. در نگاه تورات به واقعیت این اهمیت اساسی دارد که این امور به دنیاهای متفاوت، روایت های متمایز، داستان های جداگانه و راه های جایگزین برای دیدن واقعیت تعلق دارند.

تفاوت در لحن ها نیز وجود دارد. در باب اول، اجرای آفرینش نیازی به هیچ تلاشی از سوی خدا ندارد. او فقط سخن می گوید. می گوید "باشد" و شد. در باب دوم، خدا فعالانه دخالت دارد. نوبت که به آفرینش اولین انسان می رسد، او فقط نمی گوید "باشد که انسان را به صورت و شباهت خود بیافرینیم." او خودش آفرینش را به اجرا می گذارد، مانند مجسمه سازی که شکلی را از گل سفال گری می سازد: "سپس خداوند، خدا، انسان را از خاک زمین شکل داد و در سوراخ های بینی او نفس حیات دمید و انسان، موجودی زنده شد."

در باب اول پیدایش، خدا بی هیچ تلاشی دنیا را به قلمرو هستی فرامی خواند. خدا در باب دوم پیدایش به باغبان تبدیل می شود: "اینک خداوند، خدا، باغی پرورد... " از خود می پرسیم چرا اصلا خدایی که سراسر جهان را خلق کرد باید به باغبان تبدیل شود؟ تورات به ما پاسخی می دهد که بس تاثیرگذار است: "خداوند، خدا، انسان را برگرفت و او را در باغ عدن گذاشت برای حفاظت از آن و کارکردن." خداوند می خواست به انسان، کرامت کارکردن و خلاق بودن بدهد، نه این که تنها یک مخلوق باشد. و چنان چه انسان چنین کارکردنی را توهین آمیز بداند، خداوند، خود، باغبان می شود تا نشان دهد که این کار نیز الهی است و انسان با اجرای آن شریک خدا در آفرینش می شود.

سپس آیه ای می آید بس حیرت انگیز: خداوند، خدا گفت: "این خوب نیست برای آدم که تنها باشد." برای او یاریگری در خور او خواهم آفرید. خداوند از انزوای وجودی نخستین انسان متأثر است. در باب پیشین هیچ چنین لحظه ای یافت نمی شود. آنجا خدا فقط می آفریند. اینجا خدا همدردی می کند. او به ذهن انسان ورود می کند. احساس او را احساس می کند. در ادبیات هیچ دین باستانی دیگری، چنین لحظه ای وجود ندارد. عنصر انقلابی در یکتاپرستی توراتی فقط این نیست که تنها یک خدا وجود دارد، بلکه این است که *خدا به ما از خود ما نزدیکتر است*. خدا تنهایی آدم اول را پیش از آنکه خود او احساس کند، می دانست.

این جان کلام روایت دوم خلقت است. آفرینش چیزها نسبتاً آسان است، خلق کردن مناسبات، دشوار است. به مراقبتِ مهربانانه ای که خدا در باب های دوم و سوم پیدایش به نخستین انسان ها نشان می دهد، توجه کنید. او می خواهد که انسان از کرامتِ کارکردن برخوردار باشد. می خواهد انسان بداند که خودِ کارکردن، امری الهی است. او به انسان، توانایی نامگذاری جانوران را می بخشد. با دیدن رنج تنهایی اش دلسوزی می کند. نخستین

زن را می آفریند. با تاسف می بیند که نخستین زوج انسانی خطای اول را مرتکب می شوند. وقتی سرانجام مرد به همسر خود نام خاص می دهد و برای نخستین بار درمی یابد که با او متفاوت بوده، [زن] کاری می تواند بکند که از او بر نمی آید، هر دوی آنها را می پوشاند تا برهنه وارد دنیا نشوند. این نه خدای آفرینش (الوهیم)، بلکه خدای عشق (هشم) است. این نکته نشان می دهد که چرا روایت دوگانه نامگذاری نخستین زن به اندازه روایت آفرینش کل جهان توسط خدا اهمیت دارد. باید ابتدا مناسبات بیافرینیم تا بتوانیم با خدای آفرینش جهان ارتباط بگیریم. باید به دیگربودگی انسان دیگر راه بدهیم تا بتوانیم برای دیگربودگی دیگری الهی جا باز کنیم. باید پیش از گرفتن عشق، عشق بدهیم.

در باب اول پیدایش، خدا جهان را می آفریند. هیچ چیزی گسترده تر از این در پندار نمی گنجد و ما همچنان در حال کشف این واقعیت هستیم که جهان، بزرگتر از آنچه می پنداشتیم است. در سال ۲۰۱۶ تحقیقی بر پایه مدل پردازی سه بعدی تصاویر تلسکوپ فضایی هابل به این نتیجه رسید که شمار کهکشان ها بین ده تا بیست برابر بیشتر از تخمین پیشین ستاره شناسان است. در ازای هر دانه شن روی زمین، بیش از هزار ستاره در آسمان هست.

و همچنان، تورات به ما می گوید که همان میزان که خدا برای شرح آفرینش کل جهان صرف می کند، خدا برای دمیدن حیات در نخستین انسان، دادن به ما می گوید که کاری باکرامت به او، درک تنهایی اش، خلق همسر برای او و پوشاندن هر دو با جامه نور برای خروج از باغ عدن و راه سپردن به سوی دنیای بیرون، وقت می گذارد.

تورات نکته ای بس نیرومند به ما می گوید. هرگز به مردم همچون اشیاء نگاه نکن. هرگز مردم را به صورت طبقه ای ننگر: هر یک از آنها یک فرد است. هرگز به ساختن سیستم ها بسنده نکن: به فکر مناسبات نیز باش.

من بر آنم که مناسبات، همان قلمرویی هستند که انسانیت ما در آن متولد شده، بالیده، شکوفا می گردد. از راه دوست داشتن انسان ها است که می آموزیم خدا را دوست بداریم و گستره عشق او به خود را حس کنیم.

شبات شالوم



برای دیگر آثار رای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - [www.rabbisacks.org](http://www.rabbisacks.org)  
کلیه حقوق محفوظ است • دفتر رای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

\*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian